

اسلام و پژوهش های روان‌شناختی

سال دوازدهم، شماره اول، پیاپی ۲۵، بهار و تابستان ۱۴۰۵ (ص ۲۲۱-۲۴۴)

ابعاد و عوامل انتقال بین‌نسلی مذهب

Dimensions and Factors of Intergenerational Transmission of Religion

کهر زهرا عزیزاللهی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

مسعود جان‌بزرگی / استاد گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

✉ Zahra Azizollahi / PhD Candidate in Psychology, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran.

azizollahi@riho.ac.ir

Masoud Janbozorgi / Professor, Department of Psychology, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran.

janbo@rihu.ac.ir

Abstract

Intergenerational transmission of religion in the family is one aspect of intergenerational transmission that, despite its fundamental importance in preserving family identity and cohesion, faces a theoretical gap in the research literature. The present study aimed to develop a comprehensive model of the dimensions and factors affecting intergenerational transmission of religion using a qualitative meta-synthesis method. The study population included all relevant articles (80 selected works), which were examined using open coding and systematic content analysis. The findings indicate that the process of religious transmission can be conceptualized in three major thematic clusters: first, measurement criteria, including participation, beliefs, and religious perceptions; second, influencing factors, including governmental, family, individual, environmental, socialization and participation in congregational activities, and gender; and third, harmful or weakening factors at the family and

چکیده

انتقال دین بین‌نسلی در خانواده یکی از جنبه‌های انتقال بین‌نسلی است که علی‌رغم اهمیت بنیادین در حفظ هویت و انسجام خانواده، با چالش خلأ نظری در ادبیات پژوهشی مواجه است. پژوهش حاضر با هدف تدوین الگوی جامع از ابعاد و عوامل مؤثر بر انتقال بین‌نسلی مذهب، با بهره‌گیری از روش کیفی فراترکیب انجام شده است. جامعه پژوهش شامل تمامی مقالات مرتبط (۸۰ اثر منتخب) است که با استفاده از تکنیک کدگذاری باز و تحلیل محتوای نظام‌مند مورد واکاوی قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فرآیند انتقال مذهب در سه خوشه مفهومی کلان صورت‌بندی می‌شود: نخست، معیارهای سنجش شامل مشارکت، اعتقادات و تصورات مذهبی؛ دوم، عوامل مؤثر شامل عوامل حکومتی، خانوادگی، فردی، محیطی، اجتماعی شدن و شرکت در جماعت، جنسیت؛ و سوم، عوامل آسیب‌زا یا تضعیف‌کننده در سطوح خانوادگی و محیطی. نتایج این فراترکیب مؤید آن است که

environmental levels. The results of this meta-synthesis confirm that the formation of spiritual-religious structures across generations is strongly influenced by the interaction of psychological components within the family's educational context. These findings, while explaining the complexity of the process of religious transmission, provide a theoretical framework for family-centered interventions and broader religious policymaking.

Key words: generation, intergenerational transmission, religion, factors.

تکوین ساختارهای معنوی - مذهبی در نسل‌ها، به شدت تحت تأثیر تعامل مؤلفه‌های روان‌شناختی در بستر تربیتی خانواده است. این یافته‌ها ضمن تبیین پیچیدگی فرآیند انتقال مذهب، چارچوبی نظری برای مداخلات خانواده‌محور و سیاست‌گذاری‌های کلان مذهبی فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: نسل، انتقال بین‌نسلی، مذهب، عوامل.

مقدمه

در چارچوب بحث‌های گسترده در مورد آینده دین، انتقال دین بین‌نسلی در خانواده یکی از جنبه‌هایی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، خانواده جایی است که جامعه‌پذیری مذهبی و انتقال باورها و اعمال به همدیگر و نسل‌ها انجام می‌شود که به‌طور مستقیم به تداوم ادیان، جوامع و سنت‌ها کمک می‌کند (ورمیر،^۱ ۲۰۱۴، ص ۴۰۲).

نسل به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که مرحله‌ای از حیات را با یکدیگر آغاز کرده یا پایان داده باشند (ساروخانی و دودمان، ۱۳۸۹). به فاصله میان والدین با فرزندان نیز نسل گفته می‌شود که شامل پدربزرگان، مادربزرگان، پدران، مادران و فرزندان می‌گردد (بالس^۲ و پاینده، ۱۳۸۰، ص ۶). همچنین بنابر تعریف بیکر، نسل به معنی توالی جمعیت، با توجه به لایه‌های سنی و گروهی از افراد است که در فاصله زمانی معینی به دنیا آمده‌اند (بیکر،^۳ ۱۹۹۸، ص ۱۳). توالی جمعیت، با خود توالی ارزش‌ها و فرهنگ آن جامعه را به دنبال می‌آورد و به نسل بعد منتقل می‌سازد (پلومین،^۴ ۲۰۱۳، ص ۶۵).

انتقالات بین‌نسلی جزئی جدانشدنی از روابط و پیوندهای بین‌نسلی بوده و عبارت است از مبادله انواع گوناگونی از منابع شامل حمایت‌های مالی، عاطفی و عملی و به اشتراک گذاشتن دانش و مهارت‌ها میان نسل‌های مختلف در خانواده (مزون،^۵ ۲۰۰۶، ص ۵۲).

1. Vermeer
2. Bals
3. Baker
4. Plomin
5. Mason

یک بعد از مطالعات بین‌نسلی، مطالعهٔ مذهب در بین نسل‌هاست. تأثیر مذهب تقریباً در تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی نفوذ دارد، از جمله الگوهای جمعیتی ازدواج و باروری، آموزش و پیشرفت‌های شغلی (کینگ^۱، ۱۹۹۹، ص ۱۷؛ مایرز^۲، ۱۹۹۶، ص ۸۵۸).

یک نشانه از سنت‌های مذهبی توانایی آنها در ارتباط دادن گذشته با حال و پرورش پیوستگی بین تجربیات گذشته و رویدادهای آینده است (هرویو^۳، ۲۰۰۰، ص ۲۱؛ مولر^۴، ۲۰۰۳، ص ۷۵). برخی قائل‌اند بهترین پیش‌بینی‌کنندهٔ مشارکت مذهبی افراد نحوهٔ تربیت آنهاست (وواس^۵، ۲۰۱۲، ص ۳۷۷). تحقیقات نشان می‌دهد که پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های معاصر نقش فزاینده‌ای در زندگی نوه‌های خود ایفا می‌کنند. این امر احتمال تأثیرگذاری آنها بر ارزش‌ها و باورهای نوه‌هایشان را افزایش می‌دهد (بنگتسون^۶، ۲۰۰۹، ص ۳۲۵؛ بوسی^۷، ۲۰۲۲، ص ۲۹۳).

با این حال، اطلاعات نسبتاً کمی در مورد نحوهٔ انتقال ارزش‌ها و شیوه‌های مذهبی از نسلی به نسل دیگر وجود دارد (مایرز، ۱۹۹۶، ص ۸۵۹). سه نظریه در مورد تربیت اجتماعی برای توضیح انتقال ارزش‌ها بین والدین و فرزندان ارائه شده است که هرکدام برای درک مکانیزم‌های انتقال دین‌داری کاربرد دارند. نظریهٔ اول، ارضیهٔ وضعیت است؛ والدین فرزندان خود را در زمینه‌ای از ثروت و تحصیلات خانوادگی قرار می‌دهند که با گذشت زمان، شباهت‌های والد و فرزند را در طیف گسترده‌ای از جهت‌گیری‌های ارزشی و رفتارها تسهیل می‌کند؛ نظریهٔ دوم به یادگیری اجتماعی و الگوبرداری از نقش‌ها مربوط می‌شود؛ نظریهٔ سوم، تأثیر تعدیل‌کنندهٔ محبت و تأیید والدین را دربر می‌گیرد (بنگتسون، ۲۰۰۹، ص ۳۲۶).

در هر حال، مجموعه ادبیات پژوهشی موجود، رابطهٔ بین باورها و اعمال مذهبی والدین و فرزندان بزرگ‌سال آنها را تأیید می‌کند که اغلب به‌عنوان انتقال بین‌نسلی مذهبی شناخته می‌شود (جسی^۸، ۲۰۲۱، ص ۳۳۲). پرسش اصلی پژوهش‌های مرتبط این است که آیا والدین و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها بر جهت‌گیری‌های مذهبی، باورها و رفتارهای مذهبی نسل‌های جوان‌تر تأثیر می‌گذارند؟ آیا تأثیرات

-
1. King
 2. Myers
 3. Hervieu
 4. Voas
 5. Bengtson
 6. Bossi
 7. Jesse

اعمال شده در پیشینه اجتماعی فرد از طریق مکانیسم‌های خانوادگی تأثیر خود را در وضعیت فعلی فرد ادامه می‌دهد؟ (پلوچ،^۱ ۱۹۹۸، ص ۳۰۴). اگر چنین است، کدام عوامل این نوع قدرت تأثیرگذاری را دارند؟ (جمار،^۲ ۲۰۲۳، ص ۱۳).

اما پراکندگی در این پژوهش‌ها از جهت ارائه الگوی جامع از ابعاد و عوامل دخیل در این زمینه مشاهده می‌شود. با اتکا بر ادبیات موجود می‌توان به صراحت ادعا کرد که با شناسایی ابعاد دخیل در انتقال بین‌نسلی مذهب در چارچوب فراترکیب می‌توان در مسیر تازه‌ای از پژوهش‌های جامع و از جمله پژوهش در بستر مذهبی و دینی گام برداشت. بروز و کاربردی بودن موضوع، فقدان هرگونه پژوهش با مدل فراترکیب، نیاز به انعکاس ابعاد جامع موضوع و از جمله جایگاه خاص مؤلفه‌های روان‌شناختی و زمینه‌سازی برای تحقیقات بومی، مذهبی و مبتنی بر منابع اسلامی می‌تواند اهمیت و ضرورت این پژوهش را منعکس نماید.

با داده‌های طولی می‌توان مذهبی بودن را در زمینه‌های اصلی گذاره‌های زندگی مانند ازدواج، طلاق، فرزندآوری، بازنشستگی و پیری مورد بررسی قرار داد. مذهبی بودن می‌تواند به عنوان تاریخچه یا مسیر فردی در طول زندگی که توسط اعضای خانواده تأثیر می‌پذیرد، کاوش شود. برخی جامعه‌شناسان پنداشته‌اند که خانواده تأثیر اخلاقی و مذهبی خود را از دست داده است که این نتیجه طلاق والدین (پوپنو،^۳ ۱۹۹۳، ص ۵۲۸) و به طور کلی، «فردگرایی مهربان‌شدنی» است که اکنون در برخی جوامع فراگیر شده است (بلا،^۴ ۱۹۸۵، ص ۶۴). دیگر نظریه‌پردازان اظهار داشته‌اند که کم‌ارزش شدن مذهب در خانواده‌های معاصر نیروی اصلی در ضعیف کردن روابط بین والدین و فرزندان بوده که منجر به معضلات اجتماعی می‌شود (دبسون،^۵ ۱۹۹۰، ص ۱۱۶). چنین دستاوردهای دو سویه‌ای از تعامل و هم‌افزایی متقابل مذهب و کارکردهای خانواده حکایت می‌کند (شاه‌محمدی و ابراهیمی تازه‌کند، ۱۳۹۶).

در زمینه چگونگی انتقال صفات بین‌نسلی، از جمله مذهبیت، نظریات قابل تأملی در دو حوزه علم و دین ابراز شده است. برخی از محققان، بسیاری از خصوصیات و صفات انسان را ژنتیکی دانسته و معتقدند در الگوی توارث، رفتارهای اجتماعی و اخلاقی انسان با منشأ ژنتیکی از نسلی به نسل دیگر

1. Ploch
2. Gemar
3. Popenoe
4. Bellah
5. Dobson

منتقل می‌شود (پلومین، ۲۰۱۳، ص ۶۵). اکرمی در مطالعه خود نتیجه می‌گیرد علاوه بر نقش هم‌زمان تعداد زیادی ژن با هم در ایجاد این صفات، محیط نیز در اثرگذاری بر این صفات ایفای نقش می‌کند (اکرمی، ۲۰۱۲، ص ۱۸۱). این نظر در مطالعات دیگری نیز (محمدی لایینی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۸۳؛ هاشمی و نوروزی، ۲۰۱۱، ص ۹۵) تأیید شده است.

تغییرات مذهبی اغلب با گسست‌هایی در زندگی روزمره همراه است؛ وضعیت موجود، شرایط بحرانی، سوگواری‌ها، دوره‌های دشواری خاص، ناامیدی شدید، احساسات مثبت و منفی نسبت به افراد معنادار، به‌ویژه والدین؛ همچنین سایر بستگان، دوستان یا رهبران مذهبی. تغییرات بین نسل‌ها نیز، از طریق تغییرات تاریخی در عادات، ارزش‌ها و جهان‌بینی، یا در همان نسل، مانند مهاجرت می‌تواند رخ دهد. در همه این موقعیت‌ها، گسستی در انسجام درونی و بیرونی به نظر می‌رسد بر بعد معنوی فرد و رابطه او با دین تأثیر بگذارد (بوسی، ۲۰۲۲، ص ۲۹۳؛ مقتدائی، ۱۳۹۷، ص ۹۳).

نحوه انتقال باورها و رویه‌های دینی در خانواده‌ها می‌تواند به تنظیمات مختلفی بسته به جنسیت و وضعیت تأهل شکل بگیرد. این انتقال همچنین مستقیماً از طریق اجتماعی‌سازی، آموزش، مدل‌سازی، شرطی‌سازی کلاسیک و عامل یا به‌طور غیرمستقیم از طریق وراثت وضعیت اتفاق بیفتد. شواهد واضحی وجود دارد که ارزش‌ها در طول نسل‌ها تداوم می‌یابند، حتی زمانی که تفاوت‌های گروهی ناشی از تغییر تاریخی در ارزش‌ها را در نظر بگیریم (بنگستون، ۲۰۰۹، ص ۳۲۷).

جنسیت والدین، متغیرهای جمعیت‌شناختی، وضعیت اجتماعی - اقتصادی والدین، سطح تحصیلات والدین، ملیت و متغیرهای رشدی کودک از دیگر عواملی است که باید در بررسی‌های طولی کنترل شود. مدرسه، دوستی‌ها و سایر شبکه‌های اجتماعی نامزدهای محتمل به نظر می‌رسند (کلی، ۱۹۹۷^۱، ص ۶۳۹).

در میان مطالعات در زمینه انتقال بین‌نسلی مذهب، طولانی‌ترین پژوهش مربوط به بنگستون (۲۰۰۹) می‌باشد که یک تحقیق بر اساس مطالعه طولی نسل‌ها (LSOG) با استفاده از روش‌های رگرسیون OLS و همبستگی جزئی در دانشگاه جنوبی کالیفرنیا انجام داد. یک بررسی پانلی ۳۵ ساله شامل بیش از ۳۰۰۰ فرد از ۳۵۰ خانواده چندنسلی که در سال ۱۹۷۱ شروع شد و اعضای خانواده - پدربزرگ‌ها، والدین و فرزندان نوجوان یا جوان آنها در فواصل منظم در مورد درکشان از روابط خانوادگی به همراه ارزش‌ها، نگرش‌های سیاسی، مذهبی و اجتماعی، سلامت جسمی و روانی، زندگی کاری و اهداف شخصی‌شان مورد پرسش قرار گرفته‌اند. او دریافت که باورهای دینی قوی‌ترین تأثیر انتقالی را

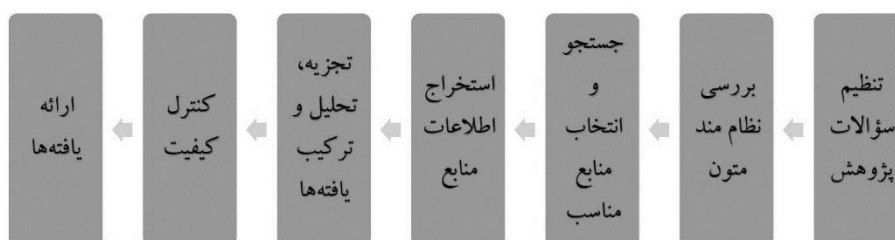
در طول دوره ۳۰ ساله نشان می‌دهند و درعین‌حال بر ضعف کمی پژوهش در این موضوع تأکید کرد. تحقیقات متعدد دیگری نیز وجود رابطه معنادار را به شکل‌های مختلف اثبات نموده است (سفیری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۶۲) و از پیش‌بینی‌کننده‌های کلیدی برای انتقال همچون خانواده سخن گفته (جسی، ۲۰۲۱، ص ۳۳۲) و گاه نقش مادر را در این میان ویژه دانسته است (میرشکار، ۱۳۹۳). با توجه به روش و رویکرد پژوهش حاضر، تبیین و توضیح بیشتر و جامع پیرامون مطالعات مختلف، ذیل بخش یافته‌ها ارائه خواهد شد.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر رویکرد کیفی و به‌طور مشخص رویکرد فراترکیب است. فراترکیب برای یکپارچه‌سازی چندین مطالعه جهت ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری صورت می‌پذیرد (نای، ۲۰۱۶^۱، ص ۵۷).

نقطه قوت روش فراترکیب در توانایی آن نسبت به شناسایی مقوله‌های مشترک و ایجاد یک چهارچوب مفهومی از دل پیشینه است. به اعتقاد زیمر فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که اطلاعات و یافته‌های استخراج‌شده از مطالعات کیفی دیگر با موضوع مرتبط و مشابه را بررسی می‌کند؛ درنتیجه نمونه مورد نظر برای فراترکیب از مطالعات کیفی منتخب و بر اساس ارتباط آنها با پرسش پژوهش ساخته می‌شود (زیمر، ۲۰۰۶^۲، ص ۳۱۱).

در راستای روش‌شناسی پژوهش از روش هفت مرحله سندولسکی و بارسو^۳ (۲۰۰۶) استفاده شده است. خلاصه‌ای از این مراحل در شکل (۱) نشان داده شده است.



شکل ۱: گام‌های فراترکیب (سندولسکی و بارسو، ۲۰۰۲)

1. Nye
2. Zimmer
3. Sandelowski, M. & Barroso, J.

گام اول: تنظیم پرسش‌های پژوهش

پارامترهای پژوهش شامل چه چیز، چه جامعه‌ای، محدودیت زمانی و چگونگی روش است که بر این اساس سؤال اصلی پژوهش شکل گرفت: ابعاد و عوامل مؤثر بر انتقال بین‌نسلی مذهب کدام است؟

گام دوم: بررسی نظام‌مند متون

جامعه آماری پژوهش را کلیه اسناد علمی، گزارش‌های پژوهشی، پایگاه‌های داده، مجلات داخلی و خارجی در خصوص انتقال بین‌نسلی مذهب تشکیل دادند. کلیدواژه اصلی انتقال بین‌نسلی مذهب و کلمات مترادف آن برای جست‌وجوی مقاله‌های پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. نتیجه جست‌وجو شامل ۱۴۶ مقاله، کتاب و گزارش‌های نهادهای مرتبط با این حوزه بود که در نهایت از میان آن تعداد، ۱۷ منبع داخلی و ۶۳ منبع خارجی برای بهره‌برداری در پژوهش شناسایی و انتخاب گردید.

گام سوم: جست‌وجو و انتخاب مقاله‌های مناسب

برای انتخاب مقاله‌های مناسب بر اساس پارامترهای مختلفی از قبیل عنوان، چکیده، محتوا، دسترسی و کیفیت روش پژوهش ارزیابی شده است.

گام چهارم: استخراج اطلاعات مقالات

اطلاعات مقاله‌ها بر اساس مرجع مربوط به هر مقاله شامل نام و نام‌خانوادگی نویسنده به همراه سال انتشار مقاله و اجزای هماهنگی بیان‌شده در هر مقاله طبقه‌بندی شد.

گام پنجم: تجزیه و تحلیل یافته‌های کیفی

در این پژوهش بر اساس مطالعات پیشین برای تمام اطلاعات استخراج‌شده کدی در نظر گرفته شد؛ سپس با در نظر گرفتن مفهوم هریک از کدها در یک مفهوم مشابه دسته‌بندی شد. بر این اساس مفاهیم پژوهش دسته‌بندی شدند. بر اساس تحلیل‌های صورت‌گرفته و تحلیل محتوای مقالات، ۳۹ مقاله نهایی انتخاب شد و در مجموع ۳ مقوله، ۱۱ مفهوم و ۶۵ کد برای انتقال بین‌نسلی مذهب کشف و برچسب‌گذاری شد. یافته‌ها در این مرحله نشان داد که در مطالعات گذشته و پیشین تا کنون چنین مطالعه نظام‌مندی انجام نشده و هریک از مطالعات پیشین به جنبه خاصی از انتقال بین‌نسلی مذهب توجه داشتند.

جدول ۱: مقوله‌ها، مفاهیم و کدهای انتقال بین‌نسلی مذهب

مقوله	مفهوم	کد	منابع
معیار سنجش	مشارکت مذهبی	حضور در مراسم مذهبی	(اینگرید، ۲۰۱۲؛ بنگسون، ۲۰۰۹؛ سفیری، کمالی و مصلح، ۱۳۹۳)
	اعتقادات مذهبی	نوع مذهب و ایدئولوژی مذهبی مذهبی بودن خود تعریف شده قدرت وابستگی به هویت مذهبی تغییر در اعتقاد به خدا در طول زندگی	(جسی، ۲۰۲۱؛ بنگسون، ۲۰۰۹) (بنگسون، ۲۰۰۹) (جمار، ۲۰۲۳؛ سفیری، کمالی و مصلح، ۱۳۹۳) (جمار، ۲۰۲۳)
	تصورات مذهبی	رتبه اهمیت ایمان در میان ابعاد مهم مفهوم خدا	(جسی، ۲۰۲۱) (زمیت و تیلور، ۲۰۲۴)
عوامل مؤثر	حکومتی - دولتی - قومیتی	تغییر قدرت دامنه نهادهای مذهبی - رسمی محیط اقتصادی - اجتماعی - سیاسی تحولات جمعیت‌شناختی و ساختارهای خانوادگی تغییرات اجتماعی - فناوری سریع هنجارهای تجویزی قوی - مرزهای فرهنگی بالا نژاد - قومیت عضویت در گروه‌های ملی	(چاوز، ۱۹۹۱) (چاوز، ۱۹۹۱) (اینگلهارت، ۱۹۸۸) (بنگسون، ۲۰۰۹) (بنگسون، ۲۰۰۹) (آرمت، ۲۰۰۹) (وایدیانادن، ۲۰۱۱) (چاوز، ۲۰۱۱)
	خانوادگی	سلامت روان والدین زندگی کاری والدین تحصیلات والدین وضعیت تأهل والدین زندگی با فرزندان پیوندهای عاطفی با فرزندان و درجه آن کیفیت رابطه والدین با یکدیگر وضعیت ایمان‌های مختلط در خانواده حضور مستمر پدربزرگ و مادربزرگ شرایط‌سازی محیط تربیتی سبک فرزندپروری مقتدر قدرت و ثبات رفتار والدین توافق بین والدین و سازگاری باورها و رفتارها انگیزه مذهبی درونی والدین وراثت	(بنگسون، ۲۰۰۹) (بنگسون، ۲۰۰۹) (بنگسون، ۲۰۰۹) (بنگسون، ۲۰۰۹) (بنگسون، ۲۰۰۹) (بنگسون، ۲۰۰۹) (بنگسون، ۲۰۰۹) (بنگسون، ۲۰۰۹) (Vern L, Bengtson, 2009): زارع شاه‌آبادی، اسدنژاد و تیموری، ۱۳۹۹؛ نوربخش و اویسی فردونی، ۱۳۹۵؛ هادیان، غروی‌راد و آذربایجانی، ۱۳۹۳) (Myers, Scott M, 1996): اکوک و بنگسون، ۱۹۸۰؛ دادلی، ۲۰۰۰؛ نوربخش و فردویی، ۱۳۹۵؛ چنینگ، ۲۰۰۹) (هاردی، ۲۰۲۲) (جوهونگ، ۲۰۱۲؛ اکرمی، ۲۰۱۲؛ محمدی لایینی، دارابی‌نیا و هاشمی سوتنه، ۱۳۹۹)

مقوله	مفهوم	کد	منابع
	اجتماعی شدن و شرکت در جماعت	همراهی هر دو والد در مراسمات مذهبی مشارکت فعال آموزش شرکت در محیط‌های فرهنگی شرکت در فعالیت‌های مذهبی جمعی تشویق فرزندان به شرکت عبادت با خانواده خارج از اوقات خاص عبادت گفت‌وگو پیرامون امور مذهبی پیام‌رسانی صریح والدین الگوسازی تأکید بر زمان شرطی‌سازی	(وواس و استورم، ۲۰۱۲؛ Francis, 1991؛ Jennings, M, 2009) (جنینگ، ۲۰۰۹؛ فلور، ۲۰۰۱؛ افلاکی فرد و اصیل‌زاده، ۱۴۰۲) (جنینگ، ۲۰۰۹) (لاتانکن، ۱۹۹۴) (جسی، ۲۰۲۱) (جسی، ۲۰۲۱) (جسی، ۲۰۲۱) (جسی، ۲۰۲۱) (وسنو، ۱۹۹۶؛ قریشی‌نژاد، ۱۴۰۲) (وسنو، ۱۹۹۶) (پاتریکا، ۲۰۱۶) (جوهونگ، ۲۰۱۲)
	جنسیت	قوت خطوط مادری (مادران و مادر بزرگ‌ها) هویت مذهبی پدر مشارکت مذهبی مادر	(سولین، ۲۰۰۶؛ والتر، ۱۹۹۸؛ فرانسیس، ۱۹۹۱؛ بنگسون، ۲۰۰۹؛ میرشکار، ۱۳۹۳) (اسکندری‌نژاد، ۱۳۸۹) (جمار، ۲۰۲۳) (جمار، ۲۰۲۳)
	فردی	سن متغیرهای رشدی زبان ارتباطات کودک نظریه ذهن (TOM)	(جمار، ۲۰۲۳؛ بنگسون، ۲۰۰۹؛ مبارک، حضرتی و ساروخانی، ۱۳۹۷) (زمیت و تیلور، ۲۰۲۴) (زمیت و تیلور، ۲۰۲۴) (زمیت و تیلور، ۲۰۲۴)
	محیطی	گروه‌های همسال خواهر و برادر رسانه مدرسه تحصیلی گروه‌های محلی	(اینگراید، ۲۰۱۲) (اینگراید، ۲۰۱۲) (اینگراید، ۲۰۱۲) (اینگراید، ۲۰۱۲) (اینگراید، ۲۰۱۲)
عوامل تضعیف‌کننده	خانوادگی	طلاق والدین تبدیل خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای روابط سرد و سطوح بالای اجبار نسل اول افسردگی مادر پرخاشگری کلامی	(پینو، ۱۹۹۳) (بنگسون، ۲۰۰۹) (بوسی، ۲۰۲۲) (گیور، ۲۰۰۵) (ولمن، ۲۰۰۸)
	محیطی	فردگرایی کم‌ارزش شدن مذهب افزایش سکولاریزم افزایش تحرک اجتماعی مهاجرت تفاوت عادات و ارزش‌ها و جهان‌بینی دو یا سه نسل	(یلا، ۱۹۸۵) (دبسون، ۱۹۹۰) (بنگسون، ۲۰۰۹) (بنگسون، ۲۰۰۹) (بوسی، ۲۰۲۲) (بوسی، ۲۰۲۲؛ مقتدائی، ۱۳۹۷)

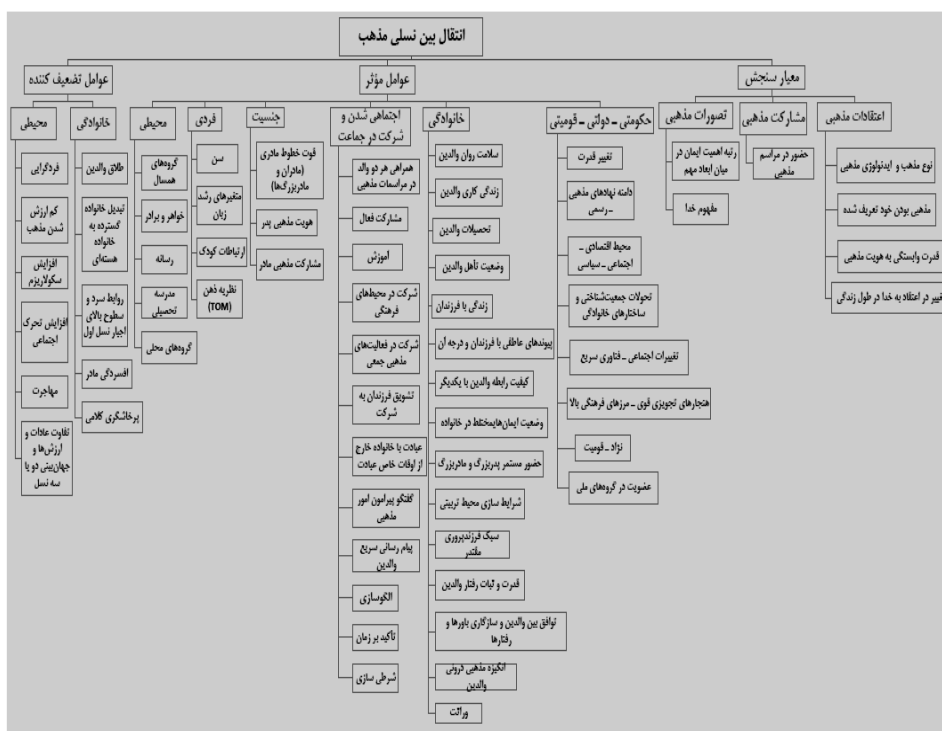
گام ششم: حفظ کنترل کیفیت

محقق برای کنترل مفاهیم استخراجی خود از مقایسه نظرات خود با یک خبره دیگر استفاده نموده است و نتایج را با استفاده از شاخص کاپا مورد سنجش قرار داده است. شاخص کاپا زمانی که دو رتبه‌دهنده پاسخ‌گویان را رتبه‌بندی می‌کنند و قصد سنجش میزان توافق این دو رتبه‌دهنده را داریم استفاده می‌شود و هرچه این مقدار به یک نزدیک‌تر باشد نشان می‌دهد که توافق بین رتبه‌دهندگان وجود دارد. ضریب کاپای محاسبه‌شده توسط نرم‌افزار SPSS مقدار $0/811$ بود که از مقدار قابل قبول آن $0/6$ (جنسن و آلن، ۱۹۹۶) بالاتر بود.

بنابراین فرض استخراج کدهای استخراجی رد می‌شود و استخراج کدها از پایایی مناسبی برخوردار بوده است.

یافته‌های پژوهش

جدول ۲: معیار سنجش و عوامل انتقال بین‌نسلی مذهب



بر اساس جدول فوق، سه مقوله کلی شامل معیار سنجش، عوامل مؤثر و عوامل تضعیف‌کننده انتقال بین‌نسلی مذهب در زمره یافته‌ها قرار می‌گیرد.

معیار سنجش

از ابعاد سنجش مذهبیّت، مذهبی بودن تعریف‌شده توسط خود فرد و موافقت با باورهای مذهبی حافظ سنت‌ها و ارزش‌های پیشین، به همراه وابستگی مذهبی می‌تواند باشد (بنگتسون، ۲۰۰۹، ص ۳۴۰). حضور در مراسم مذهبی نیز معیار خوبی برای تعهد دینی در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا برخلاف ادعای هویت دینی یا اظهار عقاید، به زمان و تلاش نیاز دارد (اینگرید، ۲۰۱۲^۱، ص ۱۳۱).

ترجیح مذهبی (یعنی هویت)، قدرت وابستگی به آن هویت مذهبی، دین‌داری خود رتبه‌بندی‌شده، و تغییر در اعتقاد پاسخ‌دهنده به خدا در طول زندگی خود معیارهای مناسبی برای ارزیابی انتقال بین‌نسلی مذهب هستند (جمار، ۲۰۲۳، ص ۱۴). مفهوم خدا نیز در سنجش دخیل است (زمیت و تیلور، ۲۰۲۴^۲، ص ۲۳۸). مفهوم خدای بی‌حدوخصر با نگرستن خداوند به‌عنوان یک نیروی شخصی، عرفانی و کیهانی، تعهد دینی و ارتباط با خدا رابطه مثبت دارد (جانسون و هوک، ۲۰۱۹^۳، ص ۳۳۹).

یکی از راه‌های بررسی انتقال مذهب، این است که در نظر بگیریم که کدام نوع دین منتقل می‌شود و در کدام زمینه؛ همچنین انواع متغیرهای مداخله‌گر احتمالی که ممکن است تفاوت در پیامدهای مذهبی کودکان را توسط ایدئولوژی مذهبی والدین توضیح دهد باید مورد توجه قرار گیرد (وایدیانان، ۲۰۱۱^۴، ص ۳۶۶).

جاکوب و کالتر^۵ (۲۰۱۳، ص ۳۸) دریافتند که دین‌داری در میان خانواده‌های مهاجر مسلمان بسیار پایدار است یا حتی در بین نسل‌ها افزایش می‌یابد؛ درحالی‌که برای خانواده‌های مهاجر مسیحی، دین‌داری بین‌نسلی رو به کاهش است که این نشان می‌دهد تأثیر اسلام در انتقال در یک بستر مشترک قوی‌تر است و حتی یک عامل منفی مانند مهاجرت نمی‌تواند آن را خنثی کند.

ماهونی^۶ و همکاران (۲۰۰۳، ص ۳۶) دریافتند که افرادی که رویکرد سنتی و حفظ نمودن ارزش‌های پیشین را دارند در تربیت فرزندان خود گرمای والدینی بالا، پرخاشگری کلامی کم و سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه (نوربخش و فردویی، ۱۳۹۵، ص ۲۸۳) از خود نشان می‌دهند، و این الگو با باورهای الهیاتی بهتر توضیح داده می‌شود. ولمن^۷ (۲۰۰۸، ص ۲۴۶) توجه شدیدی را در میان صاحبان

1. Ingrid

2. Zammit & Taylor

3. Johnson & Hook

4. Vaidyanathan

5. Jacob & Kalter

6. Mahoney

7. Wellman

این ایدئولوژی بر پرورش «زندگی خانوادگی قوی و کاربردی» ادعا می‌کند. در میان این والدین، تعهد مذهبی و اعتقادات، تعهدات اخلاقی هنجاری هستند که مستقیماً به نگرانی‌های نهایی نجات یا عقاب ابدی مربوط می‌شوند (ولمن، ۲۰۰۸، ص ۲۴۷؛ بگتسون، ۲۰۱۷، ص ۱۸۷) که در اعمال مذهبی خانوادگی و نیز پیام‌رسانی صریح والدین آشکار می‌شود (وتناو،^۱ ۱۹۹۶، ص ۳۰۳) و منجر به حضور بیشتر در شبکه‌های اجتماعی مذهبی می‌شود (اسمیت،^۲ ۱۹۹۸، ص ۱۱۴). بنابراین یافته اولیه این است که انتقال مذهبی در میان فرزندان افرادی که حافظ سنت‌های پیشین هستند قوی‌تر از هر گروه دیگری است؛ درحالی‌که گروه‌های دیگر تفاوت قابل توجهی با یکدیگر ندارند (جسی، ۲۰۲۱، ص ۳۳۷).

از یافته‌های دیگر این است که خانواده‌هایی از فرقه‌هایی که نسبتاً سخت‌گیر هستند، سطح متوسط بالایی از حضور در عبادت دارند و تمایل دارند فرزندان مذهبی بیشتری تولید کنند (آرمت، ۲۰۰۹، ص ۲۷۷).

دو فرضیه افزودنی و تعاملی در مورد تأثیر ایدئولوژی مذهبی والدین بر انتقال دینی بین نسلی وجود دارد. فرضیه افزایشی این است که ایدئولوژی مذهبی والدین پیش‌بینی‌کننده مستقل پیامدهای مذهبی کودکان است؛ بنابراین با ثابت نگه داشتن سایر عوامل کلیدی، فرزندان والدینی که از نظر مذهبی محافظه‌کارتر هستند، مذهبی‌تر از فرزندان والدین لیبرال‌تر خواهند بود. فرضیه تعاملی این است که رابطه بین دین‌داری والدین و فرزند زمانی قوی‌تر خواهد بود که والدین از نظر مذهبی محافظه‌کارتر باشند که نشان‌دهنده تفاوت در قدرت انتقال دینی است (جسی، ۲۰۲۱، ص ۲۹۹).

عوامل مؤثر

عوامل حکومتی، خانوادگی، فردی، محیطی، اجتماعی شدن و شرکت در جماعت و جنسیت کدهایی هستند که ذیل عوامل مؤثر در انتقال بین‌نسلی مذهب شمارش شدند.

حکومتی - دولتی - قومیتی

تأثیرات مذهبی بر نسل‌ها در زمینه تغییر قدرت و دامنه نهادهای مذهبی رسمی (چاوز،^۳ ۱۹۹۱، ص ۵۰۱)؛ همچنین تحولات جمعیت‌شناختی در رفتارها و ساختارهای خانوادگی و متأثر از آنها اتفاق می‌افتند، و این فرایندها به دنبال تغییرات اجتماعی و فناوری سریع اخیر تغییر کرده‌اند (بگتسون، ۲۰۰۹، ص ۳۱۲).

1. Wuthnow

2. Smith

3. Chaves

تفاوت ارزش‌های نسلی همچنین بیشتر به علت محیط اقتصادی - اجتماعی است و در صورت تغییر این محیط‌ها، اولویت‌های ارزشی نسل جوان، متفاوت با نگرش‌های نسل پیش از خود خواهد بود (اینگلهارت،^۱ ۱۹۸۸، ص ۷۷).

نحوه انتقال باورها و رویه‌های دینی در خانواده‌ها همچنین می‌تواند به تنظیمات مختلفی بسته به نژاد و قومیت متفاوت باشد (بنگتسون، ۲۰۰۹، ص ۳۱۳). تداوم دینی به‌ویژه در میان گروه‌هایی با هنجارهای تجویزی قوی و مرزهای فرهنگی بالا بیشتر مشاهده می‌شود (آرمت، ۲۰۰۹، ص ۲۷۹؛ اسمیت، ۲۰۰۹، ص ۲۰۰). انتقال در میان گروه‌هایی با جنبه «شبه قومی» که در آن مذهب ممکن است به اشکال دیگر هویت گره خورده باشد و در حوزه‌های متعددی دارای اهمیت باشد، به شدت رخ می‌دهد (وایدیاندن، ۲۰۱۱، ص ۳۶۸). در مقابل، فرقه‌هایی با تنش کمتر با جامعه بزرگ‌تر و سطوح مشارکت پایین‌تر، در طول زمان شاهد کاهش مذهبی بیشتری هستند (لاناکن،^۲ ۱۹۹۴، ص ۱۱۸۴). هوگ^۳ و همکاران (۱۹۸۲، ص ۵۸۰) اشاره می‌کنند که جامعه‌پذیری دینی در درون فرقه و تحت گروه‌های ملی نیز صورت می‌گیرد، و باید انتظار داشت که نرخ‌های انتقال بین‌نسلی متفاوت باشد (چاوز،^۴ ۲۰۱۱، ص ۹۲).

خانوادگی

ادبیات بین‌المللی، الگوها، کمیت و کیفیت روابط خانوادگی را عاملی مرتبط در موفقیت یا شکست انتقال دین و ارزش‌ها از والدین به فرزندان (دلاهی،^۵ ۲۰۱۶، ص ۷۶؛ پیرس،^۶ ۱۹۹۸، ص ۸۱۰) از پدربزرگ و مادربزرگ تا نوه‌ها (وواس، ۲۰۱۲، ص ۳۸۰) می‌داند.

تحقیقات نشان می‌دهد که درجه همبستگی عاطفی بین والدین و فرزندان شاید قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده پیوستگی دینی در نسل‌ها باشد. تنوع زیادی در نحوه شرایطسازی محیط تربیتی خانه برای انتقال دین‌داری، به‌ویژه وضعیت کیفی رابطه والدین وجود دارد (بنگتسون، ۲۰۰۹، ص ۳۸۱). قدرت این انتقال با توجه به عوامل خانوادگی، مانند نزدیکی والدین به فرزند، ساختار خانواده و وضعیت تأهل والدین متفاوت است (مایرز، ۱۹۹۶، ص ۸۶۰). همچنان‌که وضعیت ایمان‌های مختلط در خانواده‌ها، انتقال دین‌داری به نسل‌های جوان‌تر را به شدت پیچیده می‌کند (بنگتسون، ۲۰۰۹، ص ۳۸۰)، وضعیت

1. Inglehart
2. Iannaccone
3. Hoge
4. Chaves
5. Dollahite
6. Pearce

اجتماعی - اقتصادی والدین و سطح تحصیلات والدین نیز از مواردی است که در میان عوامل دخیل خانوادگی شمارش شده است (کلی، ۱۹۹۷^۱، ص ۶۴۰).

انتقال دینی با استفاده از سبک‌های فرزندپروری مقتدر و همچنین انتقال واضح و مکرر باورهای مذهبی به کودکان تقویت می‌شود که به‌طور مداوم در طول زمان حفظ می‌شود (اکوک^۲ و بنگتسون، ۱۹۸۰، ص ۵۰۱؛ دادلی^۳، ۲۰۰۰، ص ۳۸). نتایج نشان می‌دهد که بین الگوهای عمل‌گرایانه و اقتدار منطقی با دین‌داری جوانان رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد (نوربخش و اوپسی فردوئی، ۱۳۹۵). والدین و دیگر اعضای خانواده اولین افرادی به‌شمار می‌روند که فرزندان در پی نقش‌گیری از آنان برمی‌آیند (قریشی، ۱۴۰۲). توافق بین والدین در دین و رفتار (پوتنم، ۲۰۱۰^۴، ص ۱۱۳) و قدرت و ثبات رفتار (جینینگ، ۲۰۰۹^۵، ص ۳۱)، پیش‌بینی‌کننده‌های مهم انتقال موفقیت‌آمیز مشارکت مذهبی هستند.

طبق نظر ویلتس و کرایدر^۶ (۱۹۸۹، ص ۷۹) از تعدیل‌کننده‌های بالقوه در موضوع، انگیزه مذهبی درونی والدین و مشارکت فعال والدین - کودک است (زمیت و تیلور، ۲۰۲۴، ص ۲۴۰). علاوه بر این، والدینی که انگیزه مذهبی را درونی کرده‌اند، از فرزندان خود در ایجاد خودمختاری و نشان دادن ارزش‌های مذهبی به‌عنوان شیوه زندگی حمایت می‌کنند (بارمبیللا^۷، ۲۰۱۵، ص ۱۹۳).

حضور مستمر پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها در زندگی نوه‌های خود و حمایت عاطفی و مشاوره که فراهم می‌کنند، از دیگر مؤلفه‌های مهم است که به‌عنوان یک «پنجره فرهنگی» به تاریخ خانواده عمل می‌کند و به نوه‌ها امکان می‌دهد تا درباره خود و خویشاوندان دورشان بیشتر بیاموزند (بنگتسون، ۲۰۰۹، ص ۲۴۵).

درحالی‌که انتقال مذهبی بودن از پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها به نوه‌ها قطعاً از طریق والدین واسطه‌ای است، ممکن است که پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها همچنان تأثیری بر مذهبی بودن نوه‌های‌شان داشته باشند که مستقل از تأثیر والدین باشد (بنگتسون، ۲۰۰۹، ص ۲۴۵). طبق ضرب‌المثل «ایمان از پدربزرگ و مادربزرگ آموخته می‌شود»، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها بیشتر برای انتقال دین زمان دارند (بوسی، ۲۰۲۲، ص ۲۳۱)، البته تغییرات اجتماعی و عوامل محیطی مانند افزایش سکولاریزم،

-
1. Kelley
 2. Acock
 3. Dudley
 4. Putnam
 5. Jennings
 6. Willits & Crider
 7. Brambilla

افزایش تحرک جغرافیایی، یا تغییرات در ساختار خانواده تعامل بین پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و نوه‌ها را محدود می‌کند (بنگسون، ۲۰۰۹، ص ۲۴۵).

والدین و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها با سایر عوامل محیطی و اجتماعی مانند همسالان، معلمان و رسانه‌ها رقابت می‌کنند، اما تحقیقات در مورد روابط خانوادگی شواهد قوی ارائه کرده است که روابط مثبت خانوادگی می‌تواند انتقال ارزش بین نسل‌ها را تسهیل کند (جوهورنگ، ۲۰۱۲،^۱ ص ۶۴۰)، و نقش خانواده در کل در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان بیشتر است (زارع شاه‌آبادی، اسدنژاد و تیموری، ۱۳۹۹، ص ۹۳) که با روش‌های گوناگون اثر می‌گذارد (هادیان، غروی‌راد و آذربایجانی، ۱۳۹۲، ص ۲۵). آنچه گذشت تأثیر غیر قابل انکار مؤلفه‌های روان‌شناختی در بستر تربیتی خانواده بر تشکیل ساخت‌های معنوی - مذهبی را نشان می‌دهد که این مطلب با لحاظ عوامل تضعیف‌کننده خانوادگی (در بخش تضعیف‌کننده‌ها) هرچه بیشتر تأیید می‌شود.

اجتماعی شدن و شرکت در جماعت

سطح هویت اجتماعی - مذهبی با مشارکت مذهبی بالاتر مرتبط است (گرینفیلد، ۲۰۰۷،^۲ ص ۲۴۵). اجتماعی شدن در دوران کودکی و نوجوانی شامل مشاهده، مشارکت و آموزش، مهم‌ترین فرآیندی است که طی آن باورها و رفتارهای دینی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (پاتریکا، ۲۰۱۶،^۳ ص ۳۱۲). هر قدر اجتماعی‌سازی و مشارکت جمعی مذهبی به‌خصوص با حضور هر دو والد (وواس و استورم، ۲۰۱۲، ص ۳۸۱) بیشتر باشد، انتقال مذهب با ثبات بیشتر خواهد بود؛ زیرا برای این کار تربیت شده‌اند (جنینگ، ۲۰۰۹، ص ۴۷).

اسمیت دو مورد را منعکس‌کننده فرآیندهای اجتماعی شدن مذهبی می‌داند: میزان عبادت همراه خانواده در خارج از اوقات خاص عبادت؛ و میزان گفت‌وگو درباره «خدا، کتاب مقدس، دعا، یا دیگر چیزهای مذهبی یا معنوی» در خانواده (اسمیت، ۲۰۲۱).

رفتار اجتماعی پاداش در کودکان و فرآیندی از «درونی‌سازی ارزش» که در آن کودکان یاد می‌گیرند برای آنچه می‌بینند ارزش قائل شوند نیز، دو روش اصلی برای افزایش اجتماعی مذهب در کودکان شمرده شده است (پاتریکا، ۲۰۱۶، ص ۳۱۴). والدینی که اعتقادات مذهبی سنتی‌تری دارند، ممکن است به دلیل درک پاداش‌های مذهبی بیشتر، زمان و پول بیشتری را برای حضور در جماعت

-
1. Joohong
 2. Greenfield
 3. Patricia

سرمایه‌گذاری کنند (لاناکون، ۱۹۹۴، ص ۱۱۸۰) و ارائه تقویت‌های مثبت در قالب تمجید یا قدردانی را تداوم بخشند (پاتریکا، ۲۰۱۶، ص ۳۲۰)؛ همچنین مقررات مذهبی درونی‌شده قوی‌تر با اهمیت دینی و هویت دینی همبستگی مثبت نشان داده است (هاردی، ۲۰۲۲^۱، ص ۱۶).

مدل‌سازی و الگوسازی نیز به‌عنوان یکی دیگر از راه‌های اجتماعی شدن مذهبی شمرده می‌شود (پاتریکا، ۲۰۱۶، ص ۳۲۰). کودکان به نمایش‌های افزایش‌دهنده اعتبار توسط والدین خود، مانند دعا، حضور در محل عبادت و روزه گرفتن آنها توجه می‌کنند (هنریچ، ۲۰۰۹^۲، ص ۲۴۴) و اثر تقلید در عبادت بیشتر از آموزش است (زمیت و تیلور، ۲۰۲۴، ص ۲۴۸)، و برخی رفتارهای مذهبی والدین، پیش‌بینی دین‌داری در کودکان ۱۰-۱۲ دانسته شده است (فلور و کناپ، ۲۰۰۱^۳، ص ۶۲۲).

تأکید بر زمان و اجبار کردن نیز، روش‌های دیگری هستند که توسط والدین برای آموزش به‌کار می‌رود و این کار با سطوح متفاوتی از نفوذ انجام شود، از جمله انتظار صریح مانند اینکه «ما به او گفته‌ایم باید آن کار را انجام بدهی یا فلان زمان انجام بدهی» (پاتریکا، ۲۰۱۶، ص ۳۲۰).

نمادها نیز به‌عنوان شهادت غیرکلامی عمل می‌کنند که نشان می‌دهد چه چیزی در یک جامعه ارزشمند است و به کودکان کمک می‌کند تا موجودیت‌های نادیده را پردازش و تجسم کنند (هریس، ۲۰۰۶، ص ۵۰۵). نمادهایی که معنای مشترک دارند از طریق پرستش عینیت می‌یابند (بویاتزی، ۲۰۰۵، ص ۱۲۳)، مواردی مانند حق معلم مسلمان برای داشتن حجاب (فנקورت، ۲۰۲۱^۵، ص ۱۳۱).

جنسیت

یک یافته ثابت در سراسر جهان غرب این است که زنان به‌طور کلی در طیف وسیعی از معیارها مذهبی‌تر از مردان هستند (سولینس، ۱۹۹۸^۶، ص ۲۰۴)، و یک تفاوت جالب بین زن و مرد این است که کیفیت روابط خانوادگی بر مردان تأثیر قابل توجهی ندارد، اما بر زنان تأثیر دارد (یوری، ۲۰۰۵^۷، ص ۳۷۱).

فرانسیس^۸ (۱۹۹۳، ص ۲۴۵) دریافت که اعمال مذهبی مادران پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری برای عملکرد پسر و دختر نسبت به نفوذ پدران است. همچنین بینش و شناخت مادر نسبت به دین اثر

-
1. Hardy
 2. Henrich
 3. Flor & Knapp
 4. Boyatzis
 5. Fancourt
 6. sullins
 7. Yūri
 8. Francis

غیرمستقیم بر این نفوذ دارد (اسکندری‌نژاد، ۱۳۸۹). با این حال، پسران نیز ممکن است به‌طور نامتناسبی تحت تأثیر رفتار مذهبی پدرشان در دوران کودکی قرار گیرند؛ زیرا پسران اغلب از پدران خود تقلید می‌کنند (گوتیریز،^۱ ۲۰۱۴، ص ۵۹).

در حالی که حضور مادر در مراسم مذهبی مؤثر بود، هویت مذهبی پدر نیز پیش‌بینی‌کننده بود و آنهایی که پدرانشان دارای دینی بودند، در مقایسه با آنهایی که هیچ دینی نداشتند، بسیار بیشتر احتمال داشت که در اواخر زندگی بسیار مذهبی باشند تا غیرمذهبی و احتمال بیشتری دارد که مکرراً دعا کنند (جمار، ۲۰۲۳، ص ۲۹). برخی نیز در رابطه با تأثیر زنان استثنائاتی همچون یهودیان قائل شدند (سولینس، ۲۰۰۶، ص ۲۴۲).

در هر حال، غالب پژوهش‌ها نشان می‌دهد که انتقال نسل به نسل حضور در مراسم مذهبی و مذهبی بودن گزارش‌شده از پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها به نوه‌ها دارای گرایش مادری است. این بدان معناست که خطوط مادری (مادران و مادربزرگ‌ها) نقش مهم‌تری در القای روحیه و رفتارهای مذهبی درون خانواده‌ها نسبت به خطوط پدری دارند (بنگسون، ۲۰۰۹، ص ۲۴۳)، و برخی (جوانمرد، ۱۳۹۲) تأثیر مادران بر فرزندان را بیشتر ارزیابی کرده‌اند، اما تأثیر پدران هرگز به‌طور مطلق نفی نشده و چنانچه گذشت از برخی جهات متمایزتر نیز می‌باشد.

فردی

از جمله تعدیل‌کننده‌های بالقوه که می‌توانند ارتباط بین دین‌داری والدین و کودک را افزایش دهند، متغیر سن فرزند است (زمیت، ۲۰۲۴، ص ۲۴۱)، و غالب پژوهش‌ها از اهمیت دوران کودکی در انتقال مذهب خبر می‌دهد. کسانی که حضور در مراسم مذهبی دوران کودکی را گزارش می‌دهند، بسیار بیشتر احتمال دارد که همیشه به خدا ایمان داشته باشند و به این کار ادامه دهند (جمار، ۲۰۲۳، ص ۱۵).

انتقال بین‌نسلی باورها ممکن است در اوایل کودکی قوی‌تر باشد؛ زیرا در آن زمان والدین بر باورهای کودک انحصار دارند (بیت‌هالاومی و آرگیل،^۲ ۱۹۹۷، ص ۱۲۳)، برخلاف کاهش نفوذ مذهبی والدین در نوجوانی؛ زیرا در سال‌های اولیه، والدین به‌طور معمول شخصیت اصلی در زندگی کودک هستند. کودکان ممکن است با آنها هم‌ذات‌پنداری کنند، از جمله در مورد مذهب (دی،^۳ ۲۰۲۲، ص ۲۴۹)، و تحلیل رگرسیون چندمتغیره اهمیت سن کودک را به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده دین‌داری کودکان برجسته کرده است؛

1. Gutierrez

2. Beit-Hallahmi & Argyle

3. Day

اینکه کدام ابعاد دین‌داری والدین (هویت اجتماعی، نماز، مفهوم خدا) بر دین‌داری کودکان تأثیر می‌گذارد؟ دوم، کدام عوامل این انتقال را تقویت می‌کنند؟ (زمیت و تیلور، ۲۰۲۲، ص ۲۴۶).

درحالی‌که فرانسیس و لاورنس (۱۹۹۱، ص ۱۱۲) دریافت که تأثیر دین‌داری والدین برای کودکان با افزایش سن تا نوجوانی کاهش می‌یابد، اما (فرانسیس، ۱۹۹۳، ص ۲۴۱) بعداً دریافت که تأثیر والدین در واقع با رشد کودکان در دوران نوجوانی افزایش می‌یابد، و شلیفر و چاوز (۲۰۱۷، ص ۱۵۲) دریافتند افزودن یک کودک در سن مدرسه به خانواده مستقیماً منجر به افزایش حضور در مراسم مذهبی خانواده می‌شود؛ چیزی که به‌نوبه خود، ممکن است اثر دایره‌ای بر انتقال به کودک داشته باشد.

برخی (مبارک، حضرتی و ساروخانی، ۱۳۹۷) نیز تأثیر سن را به‌عنوان یک مورد که بستگی به محیط پرورشی و اجتماعی که فرد در آن زندگی می‌کند، دانسته‌اند. افرادی که در یک برهه زمانی خاص مثل دوران بحران‌های اجتماعی، انقلاب‌ها، جنگ‌ها و... بوده‌اند، نوع نگرش و سبک ذهنی و عملی از دین و دین‌داری دارند که با افرادی از نسل‌های که چنین تجربیاتی را ندارند، متفاوت در شیوه و سبک دین‌داری می‌باشند.

متغیرهای رشدی رشد زبان / ارتباطات کودک و نظریه ذهن (TOM) از مؤلفه‌های دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد (کلی و گراف، ۱۹۹۷، ص ۶۳۸).

محیطی

پژوهش‌ها از تأثیر عوامل محیطی و اجتماعی به‌خصوص عواملی مانند همسالان، معلمان و رسانه‌ها حکایت می‌کنند که با سایر مؤلفه‌ها رقابت می‌کنند (جوهونگ، ۲۰۱۲، ص ۶۳۸). باید مراقب بود که با بزرگ‌تر شدن و مستقل شدن کودکان، اهمیت گروه‌های همسال، خواهر و برادر و محیط اجتماعی نادیده گرفته نشود. اینکه در کدام مدارس تحصیل می‌کنند، از چه رسانه‌هایی استفاده می‌کنند و به‌طور خلاصه چقدر احتمال دارد که تحت تأثیر محیط خارجی قرار گیرند (استورم، ۲۰۱۲، ص ۳۸۶)؛ چراکه می‌توان دین‌داری والدین را اندازه‌گیری کرد، اما اندازه‌گیری تأثیرات گروهی محلی یا همسالان با استفاده از داده‌های نظرسنجی بسیار دشوار است و بسیاری از ویژگی‌های فردی مشاهده نمی‌شوند (اینگرید، ۲۰۱۲^۱، ص ۱۳۱).

بر اساس پژوهش‌ها بین جامعه‌پذیری دینی و متغیرهای پایگاه اقتصادی - اجتماعی، نقش الگویی خانواده، سرمایه فرهنگی، نقش معلم، شیوه‌های فرزندپروری و نقش محتوای کتاب‌های درسی رابطه معناداری وجود دارد (زارع شاه‌آبادی، اسدنژاد و تیموری، ۱۳۹۹، ص ۹۳).

عوامل تضعیف‌کننده

برخی عوامل خانوادگی و محیطی مواردی هستند که به‌عنوان اثرگذارهای منفی بر سیر انتقال بین‌نسلی مذهب، از پژوهش‌ها احصا شدند.

خانوادگی

افسردگی مادر نرخ انتقال بین‌نسلی دین‌داری از مادر به فرزندان را کاهش می‌دهد و ویژگی‌های مفید دین‌داری را در فرزندان کاهش می‌دهد، و طلاق تأثیر نامطلوبی بر انتقال مذهبی از مادران به فرزندان‌شان دارد، اما نه از پدران و مادران بزرگ‌ها (گیور، میلر و وارنر، ۲۰۰۵، ص ۱۶۰). خانواده‌هایی که طلاق یا تعارضات زناشویی بیش از حد را تجربه نکرده‌اند، تداوم مذهبی بالاتری را مشاهده می‌کنند؛ همچنین تبدیل خانواده‌های گسترده به هسته‌ای اثرات منفی در این انتقال دارد (بنگتسون، ۲۰۱۷، ص ۳۷۸).

لازم به ذکر است که مبدأ و مقصد تلاش والدین برای انتقال دین، فرهنگ و سنت‌ها به فرزندان‌شان همیشه نتایج مورد انتظار را به همراه ندارد. ممکن است برجستگی بیش از حد نسل‌های اول، به‌ویژه در زمینه‌های خانوادگی که با روابط سرد و سطوح بالای اجبار و پرخاشگری مشخص می‌شود (اسمیت، ۲۰۲۰، ص ۳۳۲)، منجر به بیگانگی نسل دوم از بستر مذهبی یا خانواده شود، یا آنها را به سمت اتخاذ رویکردهای سختگیرانه، محافظه‌کارانه و رادیکال سوق دهد (بوسی، ۲۰۲۲، ص ۲۶۶).

محیطی

«فردگرایی مهارنشده» که اکنون در برخی جوامع فراگیر شده است تأثیر اخلاقی و مذهبی منفی را نشان می‌دهد (بلا، ۱۹۸۵، ص ۷۶). از سوی دیگر، کم‌ارزش شدن مذهب در جامعه سبب تضعیف روابط و از جمله روابط بین والدین و فرزندان بوده و چرخه معیوب در اثرگذاری معنوی و مذهبی ارکان مهم را ایجاد می‌کند (دبسون، ۱۹۹۰، ص ۲۰۱). افزایش سکولاریزم و تحرک جغرافیایی نیز اثر محیطی مخربی بر انتقال مذهب گذاشته است (بنگتسون، ۲۰۰۹، ص ۴۴۰).

تغییرات بین نسل‌ها نیز از طریق تغییرات تاریخی در عادات، ارزش‌ها و جهان‌بینی، یا در همان نسل مانند مهاجرت می‌تواند رخ دهد. در همه این موقعیت‌ها نیز گسستی در انسجام درونی و بیرونی به نظر می‌رسد بر بعد معنوی فرد و رابطه او با دین تأثیر بگذارد (بوسی، ۲۰۲۲، ص ۲۹۰).

بحث و نتیجه‌گیری

نظر به آنچه در بخش‌های سابق پژوهش گذشت با رویکرد فراترکیب سه مقوله کلی شامل معیار سنجش (مشارکت مذهبی، اعتقادات مذهبی، تصورات مذهبی)، عوامل مؤثر (حکومتی، خانوادگی، فردی، محیطی، اجتماعی شدن و شرکت در جماعت، جنسیت) و عوامل تضعیف‌کننده (خانوادگی، محیطی) تحلیل شد.

در مقوله معیار سنجش و ذیل سه مفهوم در معیار سنجش، کدهای حضور در مراسم مذهبی، نوع مذهب و ایدئولوژی مذهبی، مذهبی بودن خود تعریف شده، ایدئولوژی مذهبی محافظه‌کارانه، قدرت وابستگی به هویت مذهبی، تغییر در اعتقاد به خدا در طول زندگی، رتبه اهمیت ایمان در میان ابعاد مهم و مفهوم خدا یافت شد.

در مقوله عوامل مؤثر و ذیل شش مفهوم با کدهای تغییر قدرت، دامنه نهادهای مذهبی - رسمی، محیط اقتصادی - اجتماعی - سیاسی، تحولات جمعیت‌شناختی و ساختارهای خانوادگی، تغییرات اجتماعی - فناوری سریع، هنجارهای تجویزی قوی - مرزهای فرهنگی بالا، نژاد - قومیت، عضویت در گروه‌های ملی، سلامت روان والدین، زندگی کاری والدین، تحصیلات والدین، وضعیت تأهل والدین، زندگی با فرزندان، پیوندهای عاطفی و درجه آن، کیفیت رابطه والدین با یکدیگر، وضعیت ایمان‌های مختلط در خانواده، حضور مستمر پدربزرگ و مادر بزرگ، شرایطسازی محیط تربیتی، سبک فرزندپروری مقتدر، قدرت و ثبات رفتار والدین، توافق بین والدین و سازگاری باورها و رفتارها، وراثت، همراهی هر دو والد در مراسمات، مشاهده، مشارکت فعال، آموزش، شرکت در محیط‌های فرهنگی، شرکت در فعالیت‌های مذهبی جمعی، تشویق فرزندان به شرکت، خوردن غذا یا عبادت با خانواده خارج از وقت عبادت، گفت‌وگو پیرامون امور مذهبی، پیام‌رسانی صریح والدین، اعمال مذهبی خانوادگی، انگیزه مذهبی درونی والدین، تأکید بر زمان، شرطی‌سازی کلاسیک و عامل، قوت خطوط مادری (مادران و مادرزیرگ‌ها)، هویت مذهبی پدر، مشارکت مذهبی مادر، سن، جنسیت، متغیرهای رشدی زبان، ارتباطات کودک، نظریه ذهن، گروه‌های همسال، خواهر و برادر، رسانه، مدرسه تحصیلی، گروه‌های محلی حاصل شد.

ذیل مقوله عوامل تضعیف‌کننده و مفاهیم دوگانه، کدهای طلاق والدین، تبدیل خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای، روابط سرد و سطوح بالای اجبار نسل اول، افسردگی مادر، پرخاشگری کلامی کم، فردگرایی، کم‌ارزش شدن مذهب، افزایش سکولاریزم، افزایش تحرک اجتماعی، تفاوت عادات و ارزش‌ها و جهان‌بینی دو یا سه نسل تحلیل شد.

در هر حال، مجموعه قابل توجهی از ادبیات پژوهشی موجود، رابطه قوی بین باورها و اعمال مذهبی والدین و فرزندان بزرگسال آنها را تأیید می‌کند که اغلب به‌عنوان انتقال بین‌نسلی مذهبی

شناخته می‌شود و نشان می‌دهد در تشکیل ساخت‌های معنوی - مذهبی، تأثیر مؤلفه‌های روان‌شناختی، به‌خصوص در بستر تربیتی و خانواده، غیر قابل انکار است، اما با رویکرد فراترکیب نگاشته‌های صورت نگرفته و این پژوهش آغازی در این مسیر می‌باشد.

پیشنهادهای

۱. استمرار اقدامات پژوهشی با بهره‌گیری از روش‌های دیگری در جامعیت‌بخشی و تکمیل مفاهیم حاصل در این موضوع صورت پذیرد؛ چراکه این موضوع از ظرفیت قابل توجهی در تعمیق و نگرش از ابعاد مختلف برخوردار است؛
۲. بررسی انتقال بین‌نسلی مذهب بر اساس منابع اسلامی و با نهایت دقت و جامعیت و به‌خصوص با روش اجتهادی و همچنین ناظر به نظریات اندیشمندان مسلمان صورت پذیرد.

منابع

- اسکندری‌نژاد، خدیجه (۱۳۸۹). نقش شخصیت مادر در تربیت دینی فرزند. *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، ۳(۷)، ۱۰۷-۱۴۳.
- اکرمی، محمد؛ باستانی، امیر؛ مدرسی، محمدحسین و همکاران (۱۳۹۰). ژنتیک یا محیط، کدام‌یک آینده ما را تعیین می‌کند. *اخلاق زیستی*، ۲(۴)، ۱۸۷-۱۸۱.
- افلاکی فرد، حسین و اصیل‌زاده، عاطفه (۱۴۰۲). نقش خانواده در تربیت معنوی در تربیت معنوی. *اولین همایش بین‌المللی معلمان برتر و مدارس پیشرو در هزاره سوم*.
- بالس، کریستوفر و پاینده، حسین (۱۳۸۰). ذهنیت نسلی (دیدگاهی روان‌کاوانه درباره اختلاف نسل‌ها). *ارغنون*، ۱۹، ۲-۳۰.
- بیکر، ترزال (۱۹۹۸). *چگونگی انجام تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ نائینی. تهران: نشر نی.
- جوانمرد، غلامحسین (۱۳۹۲). بررسی تأثیرپذیری فرزندان از والدین در بعد عمل به باورهای مذهبی. *شناخت اجتماعی*، ۲(۲)، ۱۸-۳۴.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ اسدزاده، فرزانه و تیموری، فاطمه (۱۳۹۹). مقایسه نقش خانواده و مدرسه در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه. *تربیت اسلامی*، ۱۵(۳۲)، ۹۳-۱۱۶.
- ساروخانی، باقر و دودمان، لیلا (۱۳۸۹). ساختار قدرت در خانواده و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی. *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ۱(۱)، ۱۰۵-۱۲۹.
- سفیری، خدیجه؛ نرجس خاتون مصلح، نرجس و کمالی، افسانه (۱۳۹۳). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی خانواده و مشارکت دینی با هویت دینی نوجوانان. *جامعه‌شناسی ایران*، ۱۵(۳)، ۱۶۲-۱۹۸.
- شاه‌محمدی، مینا و ابراهیمی تازه‌کند، فریبا (۱۳۹۶). نقش معنویت و مذهب درون نظام خانواده. *اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، آسیب‌شناسی روانی و تربیت*.
- قریشی، اعظم السادات (۱۴۰۲). نقش خانواده در تربیت دینی: انتقال ارزش‌های دینی، اخلاقی و انسانی به دانش‌آموزان. *هشتمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش*.
- مبارک، سهیلا؛ حضرتی صومعه، زهرا و ساروخانی، باقر (۱۳۹۷). بررسی جامعه‌شناختی انتقال فرهنگ دینی از طریق خانواده‌ها به جوانان در چهار دهه اخیر (مورد مطالعه: شهر تهران در سال ۱۳۹۷). *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۸(۴۴)، ۱-۳۲.
- محمدی لایینی، محمدباقر؛ دارابی‌نیا، مرتضی و سوتنه، سیدمحمدباقر (۱۳۹۹). مؤلفه‌های نسل سالم از نظر دریافت، کاربرد و انتقال ارزش‌ها به نسل بعد، از منظر اسلام و علم ژنتیک. *دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ۳۰(۱۸۳)، ۷۳-۸۳.
- مقتدائی، مرتضی (۱۳۹۷). رابطه خانواده، دین و دولت و نقش آن در شکاف نسلی ایران امروز. *مطالعات سیاسی*، ۱۱(۴۲)، ۹۳-۱۱۲.

- میرشکار، اسما (۱۳۹۳). نقش خانواده در انتقال ارزش‌های دینی و اخلاقی. همایش سراسری علمی پژوهشی شناخت اخلاق و آداب حسینی.
- نوربخش، یونس؛ اویسی فردویی، قاسم (۱۳۹۵). دین‌داری و الگوی تربیتی خانواده (بررسی تأثیرات خانواده بر رفتار دینی نوجوانان در شهر تهران). *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۷(۱)، ۲۸۳-۳۱۴.
- هادیان، سیدعلی؛ غروی‌راد، سیدمحمد و آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۲). تأثیرات والدین بر دین‌داری فرزندان از منظر روان‌شناسی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۷(۱۳)، ۴۶-۲۵.
- Acock, Alan C. and Bengtson, Vern L. (1980). Socialization and Attribution Processes: Actual Versus Perceived Similarity among Parents and Youth. *Journal of Marriage and Family*, 42(3), 15-50.
- Armet, Stephen (2009). Religious Socialization and Identity Formation in High Tension Religions. *Review of Religious Research*, 50(3), 277-97.
- Baker, G. A. (1998). Keeping all generations happy: The Xers, boomers and beyond. *Community College Journal*, 68(5), 10-16
- Beit-Hallahmi, B. & Argyle, M. (1997). The psychology of religious behaviour, belief and experience. Routledge.
- Boyatzis, C. J. (2005). Religious and spiritual development in childhood. In R. F. Paloutzian & C. L. Park (Eds.), *Handbook of the psychology of religion and spirituality* (p. 123-143). The Guilford Press.
- Bellah, R. N., Madsen, R., Sullivan, W. M., Swidler, A. and Tipton, S. M. (1985). *Habits of the Heart: Individualism and Commitment in American Life*. New York: Harper and Row.
- Bengtson, V. L., Casey, E. Copen, Norella, M. Putney and Merrill Silverstein (2009). A Longitudinal Study of the intergenerational transmission of religion.
- Bengtson, Vern L. (2017). *Families and Faith: How Religion Is Passed Down Across Generations*. New York: Oxford University Press.
- Bossi, Luca, and Giulia Marroccoli (2022). We Are Alone»: Intergenerational Religious Transmission and the Effect of Migration in Italy. *Religions*, 13, 293.
- Boyatzis, C. J. (2005). Religious and spiritual development in childhood. In R. F. Paloutzian & C. L. Park (Eds.), *Handbook of the psychology of religion and spirituality* (p. 123-143). The Guilford Press.
- Brambilla, M., Assor, A., Manzi, C. & Regalia, C. (2015). Autonomous versus controlled religiosity: Family and group antecedents. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 25(3), 193-210.
- Chaves, M. (1991). Family Structure and Protestant Church Attendance: The Sociological Basis of Cohort and Age Effects. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 30, 501-14.
- Chaves, Mark (2011). *American Religion: Contemporary Trends*. Princeton: Princeton University .
- Day, A. (2022). Age, gender and de-churchisation. In C. Starkeu & E. Tomalin (Eds.), *The Routledge Handbook of Religion, gender and society: (1st ed., p. 249-260)*. Routledge.
- Dobson, J. C. and Bauer, G. L. (1990) *Children at Risk: The Battle for the Hearts and Minds of Our Kids*. Dallas. TX: Word Publishing.
- Dollahite, David, Loren, Marks, Kate, Babcock, Betsy, Barrow, and Andrew, Rose (2019). Beyond Religious Rigidities: Religious Firmness and Religious Flexibility as Complementary Loyalties in Faith Transmission. *Religions* 10: 111. [CrossRef]
- Dudley, Roger L., and Wisbey Randall L. (2000). The Relationship of Parenting Styles to Commitment to the Church among Young Adults. *Religious Education*, 95(1), 38-50.
- Fancourt, N. (2021). The educational competence of the European court of human rights: Judicial pedagogies of religious symbols in classrooms. *Oxford Review of Education*, 48(2), 131-147.
- Flor, D. L. & Knapp, N. F. (2001). Transmission and transaction: Predicting adolescents' internalization of parental religious values. *Journal of Family Psychology*, 15(4), 627-645.
- Francis, Leslie J. (1993). Parental influence and adolescent religiosity: A study of church attendance and attitude toward Christianity among adolescents 11 to 12 and 15 to 16 years old. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 3, 241-53.

- Francis, Leslie J., and Laurence B. Brown (1991). The influence of home, church and school on prayer among sixteen-year-old adolescents in England. *Review of Religious Research*, 33, 112-22.
- Gemar, Adam (2023). Parental Influence and Intergenerational Transmission of Religious Belief, Attitudes, and Practices: Recent Evidence from the United States. *Religions*, 14, 13-73.
- Greenfield, E. A. & Marks, N. F. (2007). Religious social Identity as an explanatory factor for associations between more frequent formal religious participation and psychological well-being. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 17(3), 245-259.
- Gur, Merav, Miller, Lisa, Warner, Virginia, Wickramaratne, Priya, Weissman, Myrna (2005). Maternal Depression and the Intergenerational Transmission of Religion.
- Gutierrez, Ian A., Lucas J. Goodwin, Katherine Kirkinis, and Jacqueline S. Mattis (2014). Religious socialization in African American.
- Hardy, S. A., Nelson, J. M., Fradesen, S. B., Cazzell, A. R. & Goodman, M. A. (2022). Adolescent religious motivation: A self-determination theory approach. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 32(1), 16-30. <https://doi.org/10.1080/10509618.2022.2088888>
- Harris, P. L. & Koenig, M. A. (2006). Trust in testimony: How children learn about science and religion. *Child Development*, 77(3), 505-524.
- Hashemi, F., Noruzi, R. A. (2011). An Analysis of Moral Education from the Viewpoint of Farabi. *Moral Knowledge*, 2(1), 95-114 (Persian).
- Henrich, J. (2009). The evolution of costly displays, cooperation and religion: Credibility enhancing displays and their implications for cultural evolution. *Evolution and Human Behavior*, 30(4), 244-260.
- Hervieu-Leger, D. (2000) *Religion as a Chain of Memory*, trans. S. Lee. New Brunswick, NJ: Rutgers University Press.
- Hoge, Dean R., Gregory, H., Petrillo and Ella I. Smith (1982). Transmission of Religious and Social values from parents to teenage children. *Journal of Marriage and Family*, 44, (3), 569-580.
- Inglehart, R. (1988). Cultural change in advanced industrial societies: postmaterialist values and their consequences. *Int Rev Sociol*, 2(3), 77-99.
- Ingrid Storm and David Voas (2012) THE INTERGENERATIONAL TRANSMISSION OF RELIGIOUS SERVICE ATTENDANCE Nordic. *Journal of Religion and Society*, 25(2), 131-150
- Jacob, Konstanze and Frank Kalter (2013). Intergenerational change in religious salience among immigrant families in four European countries. *International Migration*, 51, 38-56.
- Jennings, M. Kent, Laura Stoker and Jake Bowers 2009. Politics Across Generations: Family Transmission Reexamined.
- Jesse Smith (2021). Transmission of Faith in Families: The Influence of Religious Ideology. *Sociol Relig. Autumn*, 82(3), 332-356.
- Johnson, K. A., Okun, M. A., Cohen, A. B., Sharp, C. A., & Hook, J. N. (2019). Development and validation of the five-factor LAMBI measure of god representations. *Psychology of Religion and Spirituality*, 11(4), 339-349.
- Joohong Min, Merrill Silverstein, Jessica P. Lendon (2012). Intergenerational transmission of values over the family life course. <https://doi.org/10.1016/j.alcr.2012.05.001>. *Journal of Sociology*, 49(4), 640-660.
- Kelley, Jonathan and Nan Dirk De Graaf (1997). National Context, Parental Socialization, and Religious Belief: Results From 15. *Nations*, 62(4), 639-659.
- King, V. and Elder, G. H., Jr (1999). Are Religious Grandparents More Involved Grandparents? *Journal of Gerontology: Social Sciences*, 54, S317-28.
- Lannaccone, Laurence R. (1994). Why Strict Churches Are Strong. *American Journal of Sociology*, 99(5), 1180-1211.
- Mahoney, Annette, Pargament Kenneth I., Murray-swank Aaron, and Murray-Swank Nichole (2003). Religion and the Sanctification of Family Relationships. *Review of Religious Research*, 44(3), 36-220.

- Mason, Andrew, Ronald Lee, An-Chi Tung, Mun-Sim Lai and Tim Miller (2006). Population Aging and Intergenerational Transfers: 52.
- Mueller, M. M. and Elder, G. H., Jr (2003). Family Contingencies across the Generations: Grandparent-Grandchild Relationships in Holistic Perspective.
- Myers, S. M. (1996). An Interactive Model of Religiosity Inheritance: The Importance of Family Context. *American Sociological Review*, 61, 858-66.
- Nye, E., MelendezTorres, G. J. & Bonell, C. (2016). Origins, methods and advances in qualitative metasynthesis. *Review of Education*, 4(1), 57-79.
- Patricia, Snell Herzog and Scott, Mitchell (2016). Intergenerational Transmission of Religious Giving.
- Pearce, Lisa D., and Axinn William G. (1998). The Impact of Family Religious Life on the Quality of Mother-Child Relations. *American Sociological Review*, 63(6), 810-28.
- Ploch, Donald R., and Donald W. Hastings (1998). Effects of parental church attendance, current family status, and religious salience on church attendance. *Review of Religious Research*, 39, 304-20.
- Plomin R., DeFries, J. C., Knopik, V. S., Neiderhiser, J. M. (2013). *Behavioral Genetics*. 6th ed. New York: Worth publisher.
- Popenoe, D. (1993) American Family Decline, 1960-1990: A Review and Appraisal. *Journal of Marriage and the Family*, 55, 527-55.
- Putnam, Robert D. and David E. Campbell (2010). American Grace: How Religion Divides and unites us.
- Smith, Christian, and Emerson Michael, O. (1998). *American Evangelicalism: Embattled and Thriving*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Smith, Christian, and Snell, Patricia (2009). *Souls in Transition: The Religious and Spiritual Lives of Emerging Adults*. New York: Oxford University Press.
- Smith, Jesse (2020). Transmission of Faith in Families: The Influence of Religious Ideology. *Sociology of Religion: A Quarterly Review*, 82, 332-56. [CrossRef] [PubMed]
- Sullins, D. Paul (2006). Gender and Religion: Deconstructing Universality, Constructing Complexity.
- Vaidyanathan, Brandon (2011). Religious Resources or Differential Returns? Early Religious Socialization and Declining Attendance in Emerging Adulthood. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 50(2), 366-87.
- Vermeer, Paul (2014). Religion and Family Life: An Overview of Current Research and Suggestions for Future Research. *Religions*, 5, 402-421. [CrossRef].
- Voas, David, and Ingrid Storm (2012). The Intergenerational Transmission of Churchgoing in England and Australia. *Review of Religious Research*, 53, 377-95. [CrossRef].
- Wellman, James K. (2008). *Evangelical vs. Liberal: The Clash of Christian Cultures in the Pacific Northwest*. New York: Oxford University Press.
- Willits, Fern K. and Donald M. Crider (1989). Church Attendance and Traditional Religious Beliefs in Adolescence and Young Adulthood: A Panel Study.
- Wuthnow, Robert (1996). Restructuring of American Religion: Further Evidence. *Sociological Inquiry*, 66(3), 303-29.
- Inose, Y. (2005). Influential factors in the intergenerational transmission of religion: The case of Sōka Gakkai in Hokkaido. *Japanese Journal of Religious Studies*, 32(2), 371-382.
- <https://doi.org/10.18874/JJRS.32.2.2005.371-382>.
- Zimmer, L. (2006). Qualitative meta-synthesis: a question of dialoguing with texts. *Journal of advanced nursing*, 53(3), 311-318.
- Zammit & Laura K. Taylor (29 Mar 2024). Stage 2 Registered Report: Parental and Children's Religiosity in Early Childhood: Implications for Transmission. *The International Journal for the Psychology of Religion*, DOI: 10.1080/10508619.233-891.